

چهل روز بدون پدر تلخ گذشت

به دنبال کلمات می‌گردم تا چند خطی از بزرگواریش بنویسم اما کلمات نیز در وصف او عاجزند. او پدر معنوی مردم آذربایجان شرقی بود، دوست داریم دوباره از او این جمله را بشنویم که «شما و مخصوصا خودم را به تقوای الهی دعوت می‌کنم».



ایسنا/آذربایجان شرقی به دنبال کلمات می‌گردم تا چند خطی از بزرگواریش بنویسم اما کلمات نیز در وصف او عاجزند. او پدر معنوی مردم آذربایجان شرقی بود، دوست داریم دوباره از او این جمله را بشنویم که «شما و مخصوصا خودم را به تقوای الهی دعوت می‌کنم».

چهل روزی از شهادتش می‌گذرد اما مردم تبریز همچنان در فراق او بی‌قرارند، مرد فراموش نشدنی آذربایجان که هرگز در ذهن و قلب‌ها نمی‌میرد، پدری که دست نوازش بر سر اهالی آذربایجان کشیده بود.

از حذف نرده‌های نماز جمعه و بازدیدهای سرزده گرفته تا یاد کردن از اقدار پابین دست جامعه و گرفتن عکس سلفی با دانش‌آموزان و دانشجویان، همه و همه از اقدامات ابتکاری امام جمعه تبریز بود که کلید قلب مردم را در دست گرفته بود و صراحت بیانش، مردم را علاقه‌مند به حضور در نماز جمعه و نشستن پای خطبه‌ها کرده بود و مصلاهی اعظم امام (ره) تبریز حالا خالی از گرمای قدم‌های امام جمعه است.

از محبوبیت او همان بس که مردم بدون هیچ تبلیغاتی تنها با شنیدن نام حاج آقا آل‌هاشم، پای صندوق‌های رای رفتند و مشارکتی بی‌سابقه را رقم زدند و آرای آل‌هاشم در انتخابات خیرگان رهبری رکوردی تاریخی را کسب کرد.

او آرزوی شهادت داشت و در تمامی سخنرانی‌های مربوط به شهیدان هم بارها گفته بود آرزو دارد تا سومین امام جمعه و سید شهید تبریز باشد و مردم دعا کنند تا شهید شود.

همانطور که برادرش با بغضی به پهنای خاطراتش در همان روزهای نخست شهادت سید شریف گفت: «ما برادری را از دست ندادیم بلکه یک جامعه را از دست دادیم، برادری که مخلص، متدین، مردمی و ولایت‌مدار بود، در هر مسئولیتی که داشت با اخلاص تمام از جان و دل مایه می‌گذاشت.»

به مناسبت فرارسیدن چهلمین روز از شهادت پدر معنوی تبریز به گفت‌وگویی کوتاه با برادر این بزرگوار می‌پردازیم. سید محمد حسن آل‌هاشم در ابتدای صحبت‌های خود از مردم غیور و ولایی تبریز تشکر کرده و گفت: وقتی مردم خبر سانحه را شنیده بودند از همان ابتدا در بیت امام جمعه منتظر خبرهای خوش بودند و لحظه‌ای آرام و قرار نداشتند تا اینکه خبر شهادتش رسید.

او با بیان اینکه پدرم همیشه دوست داشت در خانواده ما یکی از فرزندان به لباس روحانیت ملبس شود، افزود: لباس روحانیت، قسمت سید محمدعلی شد که در مدارس دینی تبریز تحصیل کرده و طی مراتب علمی و دینی به قم رفته و در آنجا لباس روحانیت را بر تن کرد.

سید محمد حسن آل‌هاشم گفت: با حاج آقا قبل از رفتنش قرار می‌داشتیم که باهم انجام دهیم گفت‌وگو به این سفر بروم و پیامی با هم حل کنیم اما قسمت نشد.

او با بیان اینکه زمانی که آنها به منطقه سفر کرده بودند من هم برای کاری به خارج از تبریز رفته بودم، اظهار کرد: در مسیر، بچه‌ها زنگ زدند گفتند که هلیکوپتر رئیس‌جمهور دچار مشکل شده اما اینگونه عنوان کرده بودند که فرود اضطراری و سخت کرده است.

تماسی که بی‌پاسخ ماند...

او افزود: از صعب‌العبور بودن آن منطقه اطلاع داشتم، اما زمزمه‌ای بود که می‌گفتند به جایی برخورد کرده و الان حالشان خوب است و به تبریز برمی‌گردند. خودم چند باری با حاج آقا تماس گرفتم زنگ می‌خورد اما جواب نمی‌داد.

برادر این شهید ادامه داد: با رده‌های بالا که حرف زدیم گفتند که با حاج آقا صحبت کرده‌اند و گفته که حالمان خوب نیست و به کمک نیاز داریم.

وی با اشاره به اینکه ستاد امداد دو ساعت بعد از شنیدن این خبر در منطقه آماده بودند اما چون منطقه کوهستانی و صعب‌العبور بود نشانه‌ای از آنها پیدا نکرده بودند، گفت: ساعت ۵:۳۰ صبح ۳۰ اردیبهشت ماه اخبار اعلام کرد که هلیکوپتر پیدا شده اما سرنشینان آن از هیچ‌گونه علائم حیاتی برخوردار نیستند.

وی با بیان اینکه مشیت الهی این بود که آنها با شهادت از دنیا بروند، ادامه داد: اخوی من همیشه آرزو داشت. خدا مرگ او را با شهادت توأم کند، می‌گفت دو شهید محراب سید بودند و شهید شدند خدا کند من هم سومین آنها باشم و چون به خدا نزدیک بود و شیفته‌ی اهل بیت (ع)، خدا نیز به حرف دلش گوش داد.

وی گفت: رسیدگی به مشکلات دردمندان از دغدغه‌های برادرم بود.

وقتی از او حرفی زده می‌شود اشک در چشمانش حلقه می‌زند

پدر شهید آل‌هاشم نیز در یکی از گفت‌وگوهای تلویزیونی با اشک‌هایی به پهنای صورتش گفت: او هم پدر من بود و هم پسر من، به عنوان نماینده ولی فقیه اطاعت از او را بر خود واجب می‌دانستم.

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد تقی آل هاشم ادامه داد: خدا به هیچکس داغ جوان را نصیب نکند امام حسین چه کشید وقتی پسرش علی اکبر بر زمین خورد.

وی افزود: می گویم سید محمدعلی بلند شو این مردم همیشه به دیدار تو می آمدند الان فقط به عکس هایت خیره شده اند. چهل روز از رفتن پدر معنوی آذربایجان، می گذرد اما هنوز نام و یاد او بر زبان ها جاری و ساری است، این طور که پیداست اگر چهل سال هم بگذرد باز هم مانند دو شهید محراب دیگر یاد این شهید والا مقام بر دل ها خواهد ماند.

به گزارش ایسنا، روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳، آیت الله سید ابراهیم رئیسی همراه با برخی اعضای هیأت دولت برای افتتاح سد مرزی قیز قلعه سی به استان آذربایجان شرقی سفر کرده بود که بالگرد حامل وی هنگام بازگشت به تبریز، در منطقه جنگلی و کوهستانی ورزقان دچار حادثه شد که در این حادثه دردناک، «آیت الله سید ابراهیم رئیسی» هشتمین رئیس جمهور کشور، «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه، «سید محمدعلی آل هاشم» نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز، «مالک رحمتی» استاندار آذربایجان شرقی، سردار «سیدمهدی موسوی»، رئیس یگان حفاظت رئیس جمهور و سه خدمه پروازی این بالگرد به شهادت رسیدند.

روحشان شاد و راهشان پُرهرو باد.